

## اقانیم العلی فی احوال ام القری:

رساله‌ای در تاریخ مکه، نوشته مولا احمد

بن حسن یزدی مشهدی

نویسنده این رساله، از عالمان و واعظان یزدی مقیم مشهد بوده که به سال ۱۲۸۸ ق. به حج مشرف شده و به سال ۱۳۱۰ ق. در مشهد در گذشته است. از رساله او اثری در دست نیست. آقا بزرگ تهرانی از این رساله یاد کرده و گویا خود آن را ندیده و نامش را در کتاب دیگر مولا احمد، *نواصیص العجب فی زیارة رجب*، یافته است. به گفته او، این اثر، رساله‌ای فارسی در تاریخ مکه بوده<sup>۱</sup> و از محتوای کتاب جز این اطلاعی در دست نیست. فهرست‌واره منزوی این اثر را در تاریخ و جغرافیا دانسته است.<sup>۲</sup> آقا بزرگ ۱۷ اثر به مولا احمد یزدی نسبت داده<sup>۳</sup> که از آن میان، خود وی تنها *نواصیص العجب* را دیده و تصریح کرده که این اثر در ایران به چاپ رسیده است.<sup>۴</sup> کتابشناسان دیگر نیز به تبع آقا بزرگ از این کتاب یاد کرده‌اند.<sup>۵</sup>

۱. نک: الذریعه، ج ۱۱، ص ۱۰۱؛ فهرستواره منزوی، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲. فهرستواره منزوی، ج ۱، ص ۱۷۱.

۳. الذریعه، ج ۳، ص ۱۱، ۳۹، ۸۰؛ ج ۴، ص ۱۷۷؛ ج ۵، ص ۱۰۹؛ ج ۶، ص ۲۶۳؛ ج ۷، ص ۱۵۳؛ ج ۸، ص ۵۹؛ ج ۱۱، ص ۱۰۱؛ ج ۱۲، ص ۲۲۹؛ ج ۱۴، ص ۲۳۵؛ ج ۲۳، ص ۱۴۸؛ ج ۲۴، ص ۳۵۰؛ ج ۲۶، ص ۲۶۸؛ ج ۲۱، ص ۲۶۶؛ ج ۲۲، ص ۱۲۱.

۴. الذریعه، ج ۱۱، ص ۱۰۱.

۵. نک: فهرستواره منزوی، ج ۱، ص ۱۷۱؛ معجم ما کتب فی الحج،

به کوشش بهبودی، تهران، المكتبة المرتضویه؛ مجمع الفائدة و البرهان: المحقق الاردبیلی (م. ۹۹۳ ق.)، به کوشش عراقی و دیگران، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۶ ق؛ المجموع شرح المهدب: النووی (م. ۶۷۶ ق.)، دار الفكر؛ المحاسن: ابن خالد البرقی (م. ۲۷۴ ق.)، به کوشش حسینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۲۶ ش؛ المختصر النافع: المحقق الحلّی (م. ۶۷۶ ق.)، تهران، البعثه، ۱۴۱۰ ق؛ مدارک الاحکام: سید محمد بن علی الموسوی العاملی (م. ۱۰۰۹ ق.)، قم، آل البيت (ع. ۱۴۱۰ ق)؛ مرقاة المفاتیح: ملا علی القاری (م. ۱۰۱۴ ق.)، بیروت، دار الفكر؛ مسالک الافهام الی آیات الاحکام: فاضل الجواد الکاظمی (م. ۱۰۶۵ ق.)، به کوشش شریفزاده، تهران، مرتضوی، ۱۳۶۵ ش؛ المستدرک علی الصحیحین: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق؛ المصتف: عبدالرزاق الصنعانی (م. ۲۱۱ ق.)، به کوشش حبیب الرحمن، المجلس العلمی؛ المعتبر: المحقق الحلّی (م. ۶۷۶ ق.)، مؤسسه سید الشهداء، ۱۳۶۳ ش؛ المعجم الکبیر: الطبرانی (م. ۳۶۰ ق.)، به کوشش حمدی عبدالمجید، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۶۲۰ ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ المقنعه: المفید (م. ۴۱۳ ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ ق؛ المهدب: القاضی ابن البراج (م. ۴۸۱ ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۶ ق؛ النهایه: الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ ق؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۱۰۴ ق.)، قم، آل البيت (ع. ۱۴۱۲ ق).

حسین علی پور



### ◀ منابع

الذريعة الى تصانيف الشيعة: آقا بزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۴۰۳ق؛ فهرستواره کتاب‌های فارسی: احمد منزوی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۴ش؛ معجم ما کتب فی الحج و الزیارة: عبدالجبار الرفاعی، دار مشعر، ۱۴۲۷ق.

ابراهیم احمدیان



### اَقْحُوَانَه مَحْصَب: تفرجگاه دائمی و

#### شبانۀ اهل مکه

اقحوانه محصب ترکیبی از دو واژه است. اَقْحُوَانَه به معنای گیاه بهاری سفید رنگ و خوشبویی است<sup>۱</sup> که در فارسی آن را بابونه می‌نامند<sup>۲</sup> و برای اشاره به لطافت، از آن استفاده می‌شود.<sup>۳</sup> مَحْصَب نیز به معنای ریگزار است.<sup>۴</sup> این محل که گاه محصب مکه و گاه محصب منا خوانده می‌شود، به منا نزدیک‌تر است<sup>۵</sup> و در برخی منابع نیز با نام ابطح از آن یاد می‌شود.<sup>۶</sup>

۱. العین، ج ۳، ص ۲۵۵، «قحو».

۲. المصباح، ص ۴۹۱، «اقحوان».

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲.

۴. مجمع البحرين، ج ۱، ص ۵۲۱، «حصب».

۵. الخلاف، ج ۶، ص ۱۹۶.

۶. مجمع البحرين، ج ۱، ص ۵۲۱.

اقحوانه محصب در جنوب مکه و در منطقه‌ای به نام «لیط» قرار دارد.<sup>۷</sup> خالد بن ولید هنگام فتح مکه، از همین جا وارد آن شهر شد.<sup>۸</sup> این محل که بر اثر قرار گرفتن در گذرگاه سیل به ریگزار تبدیل شده<sup>۹</sup>، نزدیک منا و میان چاه میمون و چاه ابن هشام بوده<sup>۱۰</sup> و میان عقبه و قبرستان معلی قرار داشته است.<sup>۱۱</sup>

این محل از مشهورترین تفرجگاه‌های اهل مکه بوده که پس از آغاز شب در آن به گفت‌وگو می‌پرداخته‌اند.<sup>۱۲</sup> به سبب استفاده مکیان از لباس‌های رنگانگ و معطر در این انجمن، این محل به گل بابونه تشبیه شده است.<sup>۱۳</sup> این تفرجگاه دائمی<sup>۱۴</sup> بر تپه‌ای قرار داشته و بر بستان‌ها و باغ‌هایی مشرف بوده است که در دره‌ای تا منا امتداد داشته‌اند.<sup>۱۵</sup> ازرقی خانه‌های بنی‌هاشم را در دامنه این تپه دانسته و گزارش کرده است که سیل منا از میان آن و وادی ثبیر می‌گذشته است.<sup>۱۶</sup> از این

۷. اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۷۹.

۸. السیرة النبویه، ج ۲، ص ۴۰۷.

۹. تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۴.

۱۰. معجم ما استعجم، ج ۱، ص ۱۷۹؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۳۴.

۱۱. السرائر، ج ۱، ص ۵۹۲؛ تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۴؛ قاموس

الحرمین، ص ۱۹۹.

۱۲. تاریخ مکه، ج ۱، ص ۴۵؛ منایح الکریم، ج ۲، ص ۴۹.

۱۳. اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۷۹.

۱۴. تاریخ مکه، ج ۱، ص ۴۶.

۱۵. تاریخ مکه، ج ۱، ص ۴۶.

۱۶. اخبار مکه، ازرقی، ج ۲، ص ۲۷۹.